



بلوغ

مقاله متن مقاله مشخصات تصاویر مقاله



جستجو در این مقاله

معرف

مبحثی در فقه

متن

بلوغ، مبحثی در فقه. در لغت به معانی وصول به چیزی، رسیدن به مراد، رسیدن یا نزدیک شدن به پایان مقصد (مکان، زمان یا امری دیگر)، کامل شدن و پختن میوه و رسیدن کودک به سن رشد به کار رفته است (راغب اصفهانی؛ ابن فارس؛ فیروزآبادی؛ ابن منظور؛ طریحی؛ فیومی، ذیل «بلغ»). در اصطلاح عام، بلوغ آغاز مرحله‌ای طبیعی در زندگی کودک است که در آن، با پیدایی و شکوفایی غریزه جنسی و پدید آمدن برخی دگرگونیهای جسمی و روانی و رشد عقلی و ادراکی، به مرتبه مردان و زنان نایل می‌شود (رجوع کنید به همانجاها؛ مهریزی، ص ۸۴-۸۵، ۱۲۹-۱۳۰). اهمیت بلوغ در فقه و حقوق اسلامی به آن است که نقطه آغاز شمول تکالیف و بسیاری از حقوق و احکام شرعی نسبت به هر فرد مسلمان شمرده می‌شود، و ازینرو سن بلوغ را سن تکلیف نیز می‌نامند. از آنجا که در منابع فقهی تعریفی خاص از بلوغ ارائه نشده (رجوع کنید به مهریزی، ص ۱۴۰، ۱۹۷)، شاید بتوان گفت که مراد از بلوغ در اصطلاح فقها همان بلوغ طبیعی است (نجفی، ج ۹، ص ۲۳۶؛ مهریزی، ص ۲۵۷؛ فقیه، ص ۱۶). با اینهمه، چون از میان امارات و نشانه‌های بلوغ طبیعی تنها برخی از آنها در فقه پذیرفته و سن بلوغ نیز در فقه اسلامی معین شده است، بلوغ و بالغ در فقه اسلامی به اصطلاحی خاص تبدیل شده که با مفهوم لغوی و عرفی آن انطباق کامل ندارد (رجوع کنید به مراغی، عنوان ۹۳)؛ هر چند امارات و نشانه‌های بلوغ شرعی همان نشانه‌های بلوغ طبیعی است (نجفی، ج ۹، ص ۲۳۷). در قرآن درباره بلوغ سه تعبیر به کار رفته است: بلوغ نکاح (نساء: ۶)، بلوغ حُلْم (نور: ۵۸-۵۹) و بلوغ اَشْدَّ (یوسف: ۲۲؛ انعام: ۱۵۲)؛

قصص: ۱۴؛ احقاف: ۱۵؛ اسراء: ۳۴ و آیات دیگر). بیشتر مفسران، مراد از بلوغ نکاح را رسیدن کودک به سنی می‌دانند که در آن توانایی ازدواج پیدا می‌شود، اما برخی مراد از آن را احتلام دانسته‌اند (رجوع کنید به طباطبائی؛ طبرسی؛ زمخشری، ذیل نساء: ۶). همچنین مفهوم «بلوغ حُلْم»، به اتفاق مفسران، رسیدن به اوان بلوغ جنسی است (همان منابع، ذیل نور: ۵۸-۵۹). در این میان، توضیح راغب (ذیل «حلم») مبنی بر اینکه زمان بلوغ از آنرو بلوغ حُلْم نامیده شده که انسان بالغ شایستگی و توانایی حِلْم، به معنای نگاهداری نفس از خشم، را دارد در خور ذکر است. بیشتر مفسران مراد از بلوغ اَشُدّ را رسیدن به سنی دانسته‌اند که در آن قوای جسمی و عقلی به رشد و شکوفایی می‌رسد، ولی در این باره سنین مختلفی (از ۱۸ تا ۶۲ سال) ذکر کرده‌اند (رجوع کنید به همان منابع، ذیل همان آیات؛ نیز درباره این سه اصطلاح رجوع کنید به سبحانی، ص ۷-۱۴)؛ در احادیث، هر سه تعبیر به احتلام معنا شده است (مجلسی، ج ۱۰۰، ص ۱۶۱-۱۶۵؛ حر عاملی، ج ۱، ص ۴۲، ج ۱۸، ص ۴۰۹، ۴۱۲؛ بروجردی، ج ۱، ص ۳۵۰-۳۵۵). همچنین در احادیث، علایم بلوغ از جمله سن بلوغ و نیز آثار و احکام بلوغ و حقوق و تکالیف شخص بالغ بتفصیل مطرح شده است. در فقه پنج علامت اصلی برای بلوغ ذکر شده که از این میان فقها سه علامت را میان دختر و پسر مشترک دانسته‌اند: احتلام، إنبات و سن. با توجه به تعابیر آیات (از جمله نور: ۵۸-۵۹) و احادیث (از جمله حدیث معروف رفع قلم: «رُفِعَ الْقَلَمُ عَنِ الثَّلَاثِ... عَنِ الضَّبِيِّ حَتَّى يَحْتَلِمَ رَجُوعَ كُنَيْدٍ بِه زحیلی، ج ۵، ص ۴۲۳؛ حر عاملی، ج ۱، ص ۴۲-۴۶؛ مجلسی، همانجا) تمامی فقها احتلام (یا انزال) را، چه در خواب چه در بیداری، نشانه (أمارة) بلوغ شمرده‌اند (طوسی، ۱۳۸۷، ج ۲، ص ۲۸۲؛ نجفی، ج ۹، ص ۲۴۰؛ بحرانی، ج ۲۰، ص ۳۴۵؛ فقیه، همانجا؛ زحیلی، ج ۵، ص ۴۲۲-۴۲۴؛ ابن‌قدامة، ج ۴، ص ۵۱۳؛ جزیری، ج ۲، ص ۳۵۱)؛ هرچند درباره برخی جزئیات و شرایط آن گاه اختلاف نظر دارند، برای مثال در فقه امامی و شافعی این علامت باید در سنی حاصل شود که عادتاً ممکن باشد (رجوع کنید به نجفی، ج ۹، ص ۲۴۲؛ زحیلی، ج ۵، ص ۴۲۴؛ جزیری، ج ۲، ص ۳۵۰). همچنین معدودی از فقهای عامه و شیعه درباره نشانه بودن احتلام برای بلوغ دختر تردید کرده‌اند (نجفی، ج ۹، ص ۲۴۳؛ سبحانی، ص ۱۷). در هر حال، احتلام تنها نشانه بلوغ است که در قرآن به وضوح ذکر شده است (سبحانی، ص ۱۵). نشانه دیگر بلوغ، إنبات یعنی بر آمدن موی خشن بر شرمگاه (موی زهار) است که فقهای شیعه و اهل سنت، جز حنفیان، به استناد احادیث متعدد بدان قایل‌اند (ابن‌قدامة، ج ۴، ص ۵۱۴؛ جزیری، ج ۲، ص ۳۵۱؛ زحیلی، ج ۵، ص ۴۲۴؛ نجفی، ج ۹، ص ۲۳۷-۲۳۸؛ طوسی، ۱۳۸۷، ج ۲، ص ۲۸۲-۲۸۳؛ بحرانی، ج ۲۰، ص ۳۴۶؛ شهید ثانی، ج ۲، ص ۱۴۴). برخی فقها، از جمله شافعی، در یکی از دو نظر خود، این نشانه را خاص مشرکان دانسته‌اند، ولی این نظر در فقه شیعه و نیز نزد بیشتر فقهای عامه پذیرفته نشده است (نجفی، ج ۹، ص ۲۳۷؛ ابن‌قدامة، ج ۴، ص ۵۱۳؛ برای تفصیل مسائل این بحث رجوع کنید به نجفی، ج ۹، ص ۲۳۸-۲۴۰؛ طوسی، ۱۳۸۷، ج ۲، ص ۲۸۳؛ بحرانی، ج ۲۰، ص ۳۴۷؛ فقیه، همانجا). نشانه دیگر بلوغ در فقه، رسیدن کودک به سن معینی است که به استناد احادیث معلوم شده است. به موجب این احادیث، هر گاه تا رسیدن کودک به سن مزبور هیچیک از دیگر امارات شرعی بلوغ تحقق نیافته باشد، سن یاد شده زمان بلوغ کودک محسوب خواهد شد (حر عاملی، ج ۱، ص ۴۳؛ بروجردی، ج ۱، ص ۳۵۳، ۳۵۰، ۳۵۵؛ زرقاء، ص ۷۷۸). در مذهب شافعی و حنبلی سن بلوغ در دختر و پسر اتمام پانزده سال و در مذهب مالکی اتمام هفده یا هجده‌سالگی است، هر چند از مالک و فقهای دیگر نقل شده که اصولاً سن را نشانه بلوغ نمی‌دانسته‌اند (طوسی، ۱۴۰۷-۱۴۱۱، ج ۳، ص ۲۸۳؛ ابن‌قدامة، ج ۴، ص ۵۱۴). ابوحنیفه سن بلوغ را در دختران هفده و در پسران هفده یا هجده می‌داند، ولی سایر حنفیان سن بلوغ را در دختر و پسر اتمام پانزده سال

می‌دانند (ابن‌قدمه، ج ۴، ص ۵۱۴-۵۱۵؛ جزیری، ج ۲، ص ۳۵۰؛ زحیلی، ج ۵، ص ۴۲۳-۴۲۴). برخی منابع اهل سنت برای دوره بلوغ فاصله سنی خاصی مطرح کرده‌اند، بدین ترتیب که سنین یاد شده را انتهای دوره بلوغ، و دوازده‌سالگی را در پسران و نه‌سالگی را در دختران ابتدای آن دانسته و کودک را در این فاصله سنی «مُراهق» نامیده‌اند (که آثاری در پی دارد رجوع کنید به زحیلی، ج ۵، ص ۴۲۳؛ زرقاء، ص ۷۷۹). براساس نظر مشهور فقهای امامی، سن بلوغ پسر پانزده سال تمام قمری است (محقق حلی، ج ۲، ص ۸۵؛ حر عاملی، ج ۱، ص ۴۶-۴۲، ج ۱۸، ص ۴۱۰-۴۱۱؛ بروجردی، ج ۱، ص ۳۵۰-۳۵۱؛ امام خمینی، ج ۲، ص ۱۲، مسئله ۳؛ نجفی، ج ۹، ص ۲۴۳؛ بحرانی، ج ۲۰، ص ۳۴۸؛ طوسی، ۱۳۸۷، همانجا؛ سبحانی، ص ۲۱-۲۳؛ مهریزی، ص ۳۲۶ به بعد)، اما برخی سن بلوغ را آغاز پانزده‌سالگی و برخی دیگر آغاز چهارده‌سالگی دانسته‌اند (بحرانی، ج ۲۰، ص ۳۵۰؛ مقدس اردبیلی، ج ۹، ص ۱۹۰-۱۹۱؛ نجفی، ج ۹، ص ۲۵۲). ریشه این اختلاف نظر، وجود احادیث مختلف است، و فقها به روشهایی بین مضامین این روایات جمع کرده‌اند (رجوع کنید به سبحانی، ص ۳۳-۳۶). بعلاوه، در معدودی از روایات و آرای فقهی، ده‌سالگی و هشت‌سالگی ذکر شده است که فقها آن را بر صلاحیت کودک نسبت به برخی اعمال حقوقی، مانند وصیت، حمل کرده‌اند، نه بر بلوغ (رجوع کنید به محقق حلی، ج ۲، ص ۱۵۵، ۱۶۷؛ بحرانی، ج ۲۰، ص ۳۴۹؛ نجفی، ج ۹، ص ۲۵۱-۲۵۷؛ فقیه، ص ۱۷؛ سبحانی، ص ۳۲؛ مهریزی، ص ۲۳۲-۲۵۴، ۳۵۸-۳۶۴). بنابر فتوای مشهور فقهای امامی، سن بلوغ دختر پایان نه سالگی است (رجوع کنید به حر عاملی، همانجا؛ بروجردی، ج ۱، ص ۳۵۰-۳۵۵؛ محقق حلی، ج ۲، ص ۸۵؛ نجفی، ج ۹، ص ۲۵۸؛ بحرانی، ج ۲۰، ص ۳۴۸؛ امام خمینی، همانجا؛ خوئی، ۱۳۹۷، ج ۲، ص ۱۹۷؛ انصاری، ۱۴۱۳، ص ۲۱۲) و احادیث بسیاری در این باره نقل شده است (رجوع کنید به سبحانی، ص ۴۳-۵۶). فتوای به ده‌سالگی نیز در میان معدودی از فقها مطرح بوده است (از جمله طوسی، ۱۳۸۷، ج ۱، ص ۲۶۶؛ بحرانی، ج ۲۰، ص ۳۴۹؛ نجفی، همانجا)، همچنانکه در احادیث و معدودی از منابع فقهی متقدم سنین دیگری جز نه سالگی برای بلوغ دختر ذکر شده است (رجوع کنید به سبحانی، ص ۶۴-۷۱؛ مهریزی، ص ۱۶۵-۱۷۳، ۳۴۲-۳۵۳؛ نجفی، ج ۹، ص ۲۵۸-۲۵۹؛ انصاری؛ بحرانی، همانجا). از سوی دیگر، با توجه به آنکه مطالعات تجربی علمی احتمال تحقق بلوغ طبیعی و عقلی دختر در نه‌سالگی و توانایی وی بر انجام عبادات و معاملات را ضعیف می‌دانند (مهریزی، ص ۱۰۰، ۱۱۴-۱۱۸، ۱۷۴-۱۷۵)، برخی فقها و معدودی از نویسندگان معاصر نسبت به بلوغ دختر در نه‌سالگی مناقشه کرده‌اند. فیض کاشانی (ج ۱، ص ۱۶) و برخی دیگر (رجوع کنید به سبحانی، ص ۷۹-۸۰)، به منظور رفع تعارض روایات، گفته‌اند که سن بلوغ دختر در ابواب مختلف فقهی متفاوت است، مثلاً سن وجوب روزه برای او سیزده سال است. کسانی دیگر به طور کلی سیزده سالگی را سن بلوغ دختر می‌دانند (مهریزی، ص ۱۵۳-۱۵۶، ۳۵۸). گروهی - بدین استناد که اساساً نشانه‌های مطرح شده در فقه باید غالبی باشد، و نیز با استدلال به تعبیر برخی احادیث (مثلاً: وَ ذَلِكَ أَنَّهَا تَحِيضٌ لِتَشْعُرَ سِنِينَ) - اصولاً سن را معیار بلوغ دختر ندانسته و تنها امارات طبیعی از جمله قاعدگی را ملاک آن شمرده‌اند که در برخی جاها معمولاً در نه سالگی روی می‌دهد (همان، ص ۹۱، ۱۵۶، ۲۵۹؛ جنّاتی، ص ۴۱). در برابر، برخی فقها (نجفی، ج ۹، ص ۲۶۰) معتقدند که با وجود اختلاف نظر نسبت به سن بلوغ، همه فقها در اینکه سن بلوغ در ابواب مختلف عبادات و معاملات یگانه است و در فقه چندین سن بلوغ برای دختر مقرر نشده است، اتفاق نظر دارند (مهریزی، ص ۳۹۶). برخی محققان ضمن قبول این نکته که بلوغ در اصل امری طبیعی و غریزی است، گفته‌اند که چون راه اثبات امارات طبیعی بلوغ منضبط و قانونمند نیست، برای احراز بلوغ کودک و اهلیت وی از نگاه شرعی ناچار باید به معیار مشخص و قابل اثبات سن توجه کرد. از

آن گذشته، ناتوانی احتمالی دختر در نه‌سالگی نسبت به انجام دادن برخی عبادات یا معاملات، با وجود قواعد فقهی مانند لاجرح و لاضرر و همچنین نیاز به احراز رشد * برای انجام معاملات، قابل حل است (رجوع کنید به گرامی، ص ۳، ۷؛ مهریزی، ص ۳۸۸، ۴۱۴). همچنین گفته‌اند که مراد از تعبیر مذکور در حدیث یادشده، آمادگی دختر در این سن برای قاعدگی است نه قاعدگی بالفعل (رجوع کنید به سبحانی، ص ۷۲-۷۳) و بالاخره، با توجه به احادیث متواتر و شهرت فتوایی و ضعیف بودن روایات معارض، نمی‌توان فتوای بلوغ دختر در نه سالگی را نادیده گرفت (سبحانی، ص ۷۱-۶۶، ۷۳-۷۸، ۸۰-۸۱). از نشانه‌های اختصاصی بلوغ دختران، که در فقه اسلامی پذیرفته شده، نخستین عادت ماهانه (حیض) و بارداری * (حمل) است. به نظر مشهور فقهای امامی و نیز برخی مذاهب عامه از جمله حنبلی، قاعدگی و بارداری در واقع نشان می‌دهند که بلوغ پیشتر تحقق یافته است (سبق بلوغ). ظاهراً به همین سبب، برخی فقها حمل را در شمار امارات بلوغ نیاورده‌اند (محقق حلی، ج ۲، ص ۸۵؛ نجفی، ج ۹، ص ۲۶۱-۲۶۳؛ طوسی، ۱۳۸۷، ج ۲، ص ۲۸۳؛ امام خمینی، همانجا؛ خوئی، ۱۳۹۷، همانجا؛ زحیلی، ج ۵، ص ۴۲۳-۴۲۴؛ ابن‌قدامة، ج ۴، ص ۵۱۵؛ جزیری، ج ۲، ص ۳۵۱). مالکیان علاوه بر امارات یاد شده، نشانه‌های دیگری چون بم شدن صدا را نیز برای بلوغ ذکر کرده‌اند (زحیلی، ج ۵، ص ۴۲۴؛ جزیری، همانجا). برخی از این نشانه‌ها و نیز علاماتی دیگر، از جمله رسیدن قد کودک به حدی معین، در احادیث شیعه به عنوان امارات بلوغ آمده، ولی فقها بر پایه آن فتوا نداده‌اند (مهریزی، ص ۱۵۰، ۱۷۸-۱۸۰؛ نجفی، ج ۹، ص ۲۵۷-۲۵۸). راههای اثبات حقوقی تحقق بلوغ نیز از مباحث فقهی است. به نظر مشهور فقهای شیعه تنها در احتلام می‌توان به گفته کودک، بدون نیاز به بیینه و سوگند، اعتماد کرد و به عقیده مالکیان ادعای کودک را درباره تحقق بلوغ، هر گاه گفته او قابل تردید نباشد، به طور کلی می‌توان پذیرفت (شهید ثانی، ج ۲، ص ۱۴۵؛ انصاری، ۱۴۱۳، ص ۲۱۶؛ جزیری، همانجا). با تحقق بلوغ، کودک به پایه‌ای از رشد جسمی و عقلانی می‌رسد که می‌تواند به طور مستقل و کامل مشمول تکالیف، مسئولیتها و حقوق بشود و مخاطب احکام و مقررات تکلیفی قرار گیرد. در واقع، حصول به این درجه از رشد و توانایی، مناط و سبب اصلی وجود تکالیف برای فرد بالغ است (زرقاء، ص ۷۷۷، ۷۸۰؛ زحیلی، ج ۴، ص ۱۲۳)، زیرا رشد عقلانی است که پیوند مستقیم با تکلیف و مسئولیت دارد. بر این اساس، همچنانکه در احادیث آمده، فرد بالغ از یک سو مکلف به رعایت برنامه‌های اعتقادی و عملی دین و مشمول تمام مقررات شرعی مانند احکام حقوقی، کیفری، مالی و اقتصادی، اجتماعی و سیاسی می‌گردد؛ و از سوی دیگر اهلیت و شایستگی انجام معاملات، قراردادهای و پذیرش مسئولیتهای مختلف را می‌یابد و بالاخره با توجه به این رشد عقلانی و داشتن مسئولیت، در روز قیامت مورد پرسش و مؤاخذة قرار می‌گیرد (رجوع کنید به حرعاملی، ج ۱، ص ۴۲؛ بروجردی، ج ۱، ص ۳۵۱-۳۵۲؛ زحیلی، ج ۴، ص ۱۲۵؛ زرقاء، ص ۷۷۸). بر اساس نظر مشهور فقهای امامی و نیز برخی مذاهب عامه، در بیشتر عبادات، بلوغ شرط صحت نیست. بنابراین، به استناد احادیث متعدّد درباره ترغیب کودکان به عباداتی مانند نماز، روزه و حج، عبادات کودک ممیّز شرعی و موجب استحقاق ثواب برای او یا ولی او خواهد بود و برخی دیگر عبادات کودک را تمرینی می‌دانند نه شرعی (انصاری، ۱۴۱۶، ص ۱۱۴-۱۱۵؛ خوئی، ۱۳۷۱ ش، ج ۳، ص ۲۴۱-۲۴۴؛ مراغی، عنوان ۸۴، ج ۲، ص ۶۶۴-۶۷۲؛ نجفی، ج ۶، ص ۱۲۲؛ بحرانی، ج ۱۳، ص ۵۳؛ زحیلی، ج ۱، ص ۵۶۵، ج ۲، ص ۶۱۲، ج ۳، ص ۲۰، ۲۳، ج ۴، ص ۱۲۲؛ نیز برای احادیث رجوع کنید به حرعاملی، ج ۴، ص ۱۸-۲۲، ج ۱۰، ص ۲۳۳-۲۳۷). برای اجازه یافتن فرد تازه بالغ به انجام معاملات، به استناد آیه ۶ نساء و احادیث، باید علاوه بر بلوغ، توانایی کامل وی نسبت به انجام معاملات (رشد) احراز شود (زحیلی، ج ۴، ص ۱۲۵؛ جزیری، ج ۲، ص ۳۵۳؛ نجفی، ج ۹، ص ۲۶۷؛ حرعاملی، ج ۱۸، ص

۴۰۹-۴۱۲، ج ۱۹، ص ۳۷۰-۳۷۱؛ امام خمینی، ج ۲، ص ۱۲، مسئله ۴؛ خوئی، ۱۳۹۷، همانجا؛ طبرسی، ذیل نساء: ۶). البته این نکته درخور اشاره است که برای انجام برخی عقود و ایقاعات بلوغ شرط نشده و در برخی عقود، از جمله در بیع و اجاره بنابر مذهب حنفی و مالکی، بلوغ شرط نفوذ معامله است نه شرط صحت (رجوع کنید به خوئی، ۱۳۷۱ ش، ج ۳، ص ۲۴۲-۲۴۳، ۲۶۳-۲۶۶، ۲۷۱-۲۷۵؛ زحیلی، ج ۴، ص ۳۸۴-۳۹۳، ۷۳۴، ۷۳۵). علاوه بر عبادات و معاملات، شمول بسیاری از حقوق و احکام حقوقی، اجتماعی، سیاسی و جزایی نیز مشروط به بلوغ است، از جمله برای قاضی، مدعی، شهود دعوا (جز در برخی موارد)، اقرار کننده درباره جرایم مشمول حد، امام جماعت و در منصب حکومت بودن بلوغ ضروری شمرده شده است (محقق حلی، ج ۴، ص ۵۹، ۹۱، ۹۷، ۱۱۴، ۱۳۸، ۱۴۶، ۱۴۸، ۱۵۱-۱۵۲، ۱۶۳، ۲۰۱، ۲۰۳؛ نجفی، ج ۱۴، ص ۳۰۸-۳۱۰؛ زحیلی، ج ۶، ص ۸۸، ۴۸۱، ۵۶۲، ۶۹۳، ۷۴۳، ۷۷۳، ۷۷۹، ج ۷، ص ۷۴). برای حضانت و ولایت نسبت به صغار و محجورین نیز شرط بلوغ لازم است (زحیلی، ج ۷، ص ۷۲۶، ۷۴۷، ۷۵۱؛ شهید ثانی، ج ۵، ص ۴۴۳-۴۵۸؛ نجفی، ج ۱۰، ص ۴۴۲). بعلاوه، بلوغ شرط اجرای انواع حدود و قصاص است، ولی عدم بلوغ مانع اجرای تعزیر نیست (زحیلی، ج ۶، ص ۲۳-۲۴، ۱۸۵، ۲۶۵؛ محقق حلی، ج ۴، ص ۱۳۷، ۱۵۹، ۱۷۰، ۱۸۰، ۲۰۰). اما، بنابر نظر مشهور فقهای امامی و اهل سنت، بسیاری از احکام وضعی به اشخاص بالغ اختصاص ندارد و بنابراین برای شمول احکامی مانند مقررات باب ارث، دیات، ضمان اتلاف، ضمان غصب، خیانت، شفعه و ولایت بر قصاص حصول بلوغ ضروری نیست (رجوع کنید به مراغی، عنوان ۸۳، ج ۲، ص ۶۶۰؛ انصاری، ۱۴۱۶، ص ۱۱۴). این بدان معناست که کودک از ابتدای تولد اهلیت تمتع از حقوق یا اشتغال ذمه به این تعهدات را دارد، هر چند که اهلیت استیفای آن حقوق و وظیفه ایفای تعهدات تا زمان بلوغ بر عهده ولی است. بر این اساس، هرگاه به علتی حقوق کودک در زمان خجرت (ممنوعیت تصرف در مال) استیفا نشود، یا مسئولیتهای وی انجام نیابد، وی می‌تواند پس از بلوغ حق خود را کسب یا دین خویش را ادا کند (برای مستندات فقهی این نکته رجوع کنید به نجفی، ج ۱۰، ص ۴۶۷-۴۶۸، ج ۱۳، ص ۱۶۶-۱۶۷، ج ۱۵، ص ۱۸۱؛ محقق حلی، ج ۳، ص ۲۰۱، ج ۴، ص ۲۱۴-۲۱۵؛ طباطبایی یزدی، ج ۲، ص ۸۶۶، مسئله ۶؛ خوئی، ۱۳۷۱ ش، ج ۳، ص ۲۶۲؛ زحیلی، ج ۴، ص ۳۷۸-۳۷۹، ج ۷، ص ۳۵۰). منابع: علاوه بر قرآن؛ ابن‌فارس، معجم مقاییس اللغة، چاپ عبدالسلام محمد هارون، قم ۱۴۰۴؛ ابن‌قدامة، المغنی، بیروت ۱۴۰۳/۱۹۸۳؛ ابن‌منظور، لسان‌العرب، چاپ علی‌شیری، بیروت ۱۴۱۲/۱۹۹۲؛ مرتضی‌بن محمد امین انصاری، کتاب الصوم، قم ۱۴۱۳؛ همو، کتاب المکاسب، چاپ افست قم ۱۴۱۶؛ یوسف‌بن احمد بحرانی، الحدائق الناضرة فی احکام العترة الطاهرة، قم ۱۳۶۳-۱۳۶۷ ش؛ حسین بروجردی، جامع احادیث الشیعه، قم ۱۳۹۹؛ عبدالرحمان جزیری، کتاب الفقه علی المذاهب الاربعة، استانبول ۱۴۰۴/۱۹۸۴؛ محمد ابراهیم جنّاتی، «بلوغ از دیدگاه فقه اجتهادی»، کیهان اندیشه، ش ۶۱ (مرداد و شهریور ۱۳۷۴)؛ محمدبن حسن حر عاملی، وسائل‌الشیعة الی تحصیل مسائل الشریعة، قم ۱۴۰۹-۱۴۱۲؛ روح‌الله خمینی، رهبر انقلاب و بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران، تحریرالوسیلة، قم ۱۳۶۳ ش؛ ابوالقاسم خوئی، مصباح‌الفقاهة، قم ۱۳۷۱ ش؛ همو، منهاج‌الصالحین، نجف ۱۳۹۷؛ حسین‌بن محمد راغب اصفهانی، المفردات فی غریب القرآن، چاپ محمد سیدکیلانی، بیروت [بی‌تا.]؛ وهبه مصطفی زحیلی، الفقه الاسلامی و ادلّته، دمشق ۱۴۰۹/۱۹۸۹؛ مصطفی احمد زرقاء، المدخل الفقهی العام، دمشق ۱۳۸۷/۱۹۶۸؛ محمودبن عمر زمخشری، الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل، بیروت [بی‌تا.]؛ جعفر سبحانی، البلوغ والتلیه رساله فی تأثیرالزمان و المكان الی استنباط الاحکام، قم ۱۴۱۸؛ زین‌الدین‌بن علی شهید ثانی، الروضة البهیة فی شرح اللمعة الدمشقیة، چاپ محمد کلانتر، بیروت ۱۴۰۳/۱۹۸۳؛ محمد حسین طباطبائی،

الميزان فى تفسير القرآن ، بيروت ۱۳۹۰-۱۳۹۴ / ۱۹۷۱-۱۹۷۴؛ محمد كاظم بن عبدالعظيم طباطبائى يزدي، العروة الوثقى ، بيروت ۱۴۰۴/۱۹۸۴؛ فضل بن حسن طبرسى، مجمع البيان فى تفسير القرآن ، چاپ هاشم رسول محلاتى و فضل الله يزدي طباطبائى، بيروت ۱۴۰۸/۱۹۸۸؛ فخرالدين بن محمد طريحي، مجمع البحرين ، چاپ احمد حسيني، تهران ۱۳۶۲ ش؛ محمد بن حسن طوسى، كتاب الخلاف ، قم ۱۴۰۷-۱۴۱۱؛ همو، المبسوط فى فقه الامامية ، ج ۲، چاپ محمد تقى كشفى، تهران ۱۳۸۷؛ يوسف فقيه، الاحوال الشخصية فى فقه اهل البيت (ع) ، بيروت ۱۴۰۹/۱۹۸۹؛ محمد بن يعقوب فيروزآبادى، القاموس المحيط ، بيروت ۱۴۰۷/۱۹۸۷؛ محمد بن شاه مرتضى فيض كاشانى، مفاتيح الشرائع ، چاپ مهدى رجائى، قم ۱۴۰۱؛ احمد بن محمد فيومى، المصباح المنير فى غريب الشرح الكبير ، بيروت [بى.تا.] ؛ محمد على گرامى، «پژوهش در بلوغ دختران»، كيهان انديشه ، ش ۶۶ (خرداد و تير ۱۳۷۵)؛ محمد باقر بن محمد تقى مجلسى، بحارالانوار ، بيروت ۱۴۰۳/۱۹۸۳؛ جعفر بن حسن محقق حلى، شرايع الاسلام فى مسائل الحلال و الحرام ، قم ۱۴۰۸؛ عبدالفتاح بن على مراغى، العناوين (عناوين الاصول) ، قم ۱۴۱۸؛ احمد بن محمد مقدس اردبيلى، مجمع الفائدة و البرهان فى شرح ارشاد الاذهان ، ج ۹، چاپ مجتبى عراقى، على پناه اشتهاردى، و حسين يزدي، قم ۱۴۱۴؛ مهدى مهريزى، بلوغ دختران: مجموعه مقالات ، قم ۱۳۷۶ ش؛ محمد حسن بن باقر نجفى، جواهرالكلام فى شرح شرائع الاسلام ، بيروت ۱۴۱۲/۱۹۹۲.

نظر شما

ایمیل:

آدرس ایمیل...

متن

نظر شما ...

ارسال

صفحه اصلی (/) درباره ما دانشنامه جهان اسلام انتشارات (/bookCategory) اطلاع رسانی (/about/EttelaResani)

مدخل (/Madkhal/paging/) مقالات (/article/paging/) کتابخانه (http://۱۹۱.۱۶۸.۱۰۰.۲/site/biblio)

تمام حقوق مادی و معنوی این سایت متعلق به بنیاد دایرة المعارف اسلامی می باشد.